

همجنسگرایان هم باید دلایل کافی داشته باشند تا به عنوان پناهنده پذیرفته شوند. طرح یک سؤال از عبدالله اسدی در مورد متقاضیان پناهندگی همجنسگرا



صفحه ۲

حزب نژادپرست "یونان طلوع طلائی" خواهان اعدام پناهندگان خلاف کار میباشد

فاضل نادری



صفحه ۳

۷۰ پناهجو در شهر مونیخ دست به اعتصاب غذای خشک زده‌اند



صفحه ۸



از ۱۲ تا ۱۵ ژوئن در مادرید کنگره جهانی علیه اعدام برگزار شد. گزارشی از کنگره جهانی علیه اعدام در مادرید

مینا احدی

صفحه ۴

و مطالب دیگر

تنها با مبارزه متشکل میتوان از حق پناهندگی برخوردار شد



عبدالله اسدی

asadiabe@gmail.com

همجنسگرایان هم باید دلایل کافی داشته باشند تا به عنوان پناهنده پذیرفته شوند

همبستگی: ما بارها می بینیم که درخواست پناهندگی همجنسگرایان از سوی دفاتر کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و از سوی وزارتخانه ها و ادارات مربوط به امور پناهندگان در کشورهای غربی پاسخ منفی می گیرد.

توصیه شما در این مورد چیست می توانید خیلی مختصر توضیح بدهید از همجنسگرایان ایرانی عمدتاً چه سئوالاتی مطرح می کنند آیا آنها هم باید مدرک نشان بدهند تا به عنوان پناهنده پذیرفته شوند؟

عبدالله اسدی: از آنجایی که دلایل پناهندگی یک امر شخصی محسوب می شود، بله همجنسگرایان هم باید دلایل کافی داشته باشند تا به عنوان پناهنده پذیرفته شوند. در بعضی موارد از آنها هم خواسته می شود برای اثبات دلایل خود مدارک نشان بدهند ولی پاسخ دقیق به سئوالاتی که کارمندان امور پناهندگی در این خصوص مطرح می کنند بسیار تعیین کننده است. بستگی به این دارد فردی که دلایل همجنسگرایی برای درخواست

پناهندگی خود ارائه می دهد قبلاً در چه وضعیتی قرار داشته است؟ برای مثال باید ببینند فرد همجنسگرا قبلاً به همین منظور دستگیر و یا زندانی بوده است یا نه، باید ببینند به همین دلیل تحت تعقیب بوده یا نه. یا اینکه شرایط وی در میان خانواده و دوستان و اطرافیانش چگونه بوده است! سن را میپرسند. از چه زمانی متوجه تمایلات جنسی خود شدید؟ آیا این موضوع را با خانواده و بستگان در میان گذاشته بودید؟ برخورد آنها به این موضوع چگونه بود؟ آیا خیلی راحت با شما کنار آمدند یا برای آنها غیرقابل قبول بود؟ می پرسند همه اعضای خانواده عکس العمل منفی به این موضوع نشان دادند یا نه؟

در بسیاری از موارد همه اعضای خانواده مثل هم به این موضوع عکس العمل منفی نشان نمی دهند. ولی فضای عمومی و فرهنگ غالب در مورد همجنسگرایان در کشورهای اسلامی بویژه در ایران منفی و تحقیرآمیز و بشدت تبعیض آمیز است و بعنوان یک بیماری به آن نگاه می کنند. اعضا و بستگان خانواده از اینکه اطرافیانشان بفهمند فرزندشان همجنسگراست

وحشت دارند. در بسیاری از موارد آن را به عنوان یک لکه ننگ به پیشانی خانواده و بستگان خود نگاه می کنند. می پرسند همجنسگرایان در ایران چگونه هم دیگر را پیدا می کنند؟ آیا آنها کلویی یا محلی برای جمع شدن خود دارند؟ وب سایت چه؟ از چه طریقی می توانند هم دیگر را پیدا کنند؟ آیا می توانند در جایی به طور علنی جمع شوند؟ پلیس از جمع شدن آنها ممانعت نمی کند؟ می پرسند اگر پلیس دو نفر همجنسگرا را در حال سکس ببیند و بگیرند قانوناً چه اتفاقی می افتد؟

آیا شما تابحال در همین رابطه بازداشت شده بودید؟ خانواده و بستگان از بازداشت شما باخبر بودند؟ فهمیدند شما را به چه جرمی بازداشت کرده بودند؟ پیش پلیس اعتراف کردید که همجنسگرا هستید؟ مدرکی در این رابطه دارید؟ دوست پسر/ دختر داشتید؟ چند روز در بازداشت بودید در کدام بازداشتگاه؟ مامورینی که شما را بازداشت کردند در طول آن مدت چگونه با شما برخورد کردند؟ چه حرفهایی به شما زدند؟ شخص همجنسگرا چنانچه در همین رابطه مورد توهین و بی احترامی و ضرب و شتم قرار گرفته باشد

لازم است در مصاحبه خود با وکیل و مسئول پرونده اش موارد فوق را با جزئیات بیان کند. این دسته از متقاضیان پناهندگی باید بیان کنند که فضای عمومی در ایران در بسیاری از موارد طوری است که چنانچه دوستان و همکار و همکلاسی هایشان خبر پیدا کنند که دوست یا همکارشان همجنسگراست روابطشان را با آنها قطع می کنند. در واقع همجنسگرایان نه تنها در نزد خانواده و افکار عمومی در ایران پذیرفتنی نیستند، بر طبق قوانین اسلامی به آنها بعنوان مرتد برخورد می شود. این یک سنت و فرهنگ دیرینه در ایران و در کشورهای اسلامی بوده است.

برای مثال در دوران هخامنشیان و ساسانیان نیز افراد بجرم همجنسگرایی با مجازات اعدام مواجه می شدند.

گفته می شود برخی از پژوهشگران به این نتیجه رسیده اند که در ایران قبل از ظهور زرتشت اجتماعات همجنس گرایانه وجود داشته است. هرودوت نیز "شاهد بازی" هخامنشیان را گزارش کرده است. "شاهد بازی" یکی از نمودهای همجنس گرایی در دوران باستان است. وجود روابط همجنس گرایانه مردانه در زمان اشکانیان و ساسانیان نیز دیده شده است.

در ایران پس از اسلام با همجنس گرایی و روابط همجنس گرایانه در مکان های زیادی همچون دیرها،

کاروان سراها، حمام ها و پادگان های نظامی برخوردی صورت نمی گرفته. در ادبیات ایران داستان هایی حول محور عشق دو همجنس به یکدیگر نیز وجود دارد. ناظر و منظور منظومه ای عاشقانه است که توسط شاعری بنام وحشی بافقی سروده شده که در آن پسر وزیر که ناظر نام دارد عاشق منظور پسر پادشاه می شود.

من در طول این سال ها که در فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی فعالیت داشته ام با کیس های بسیاری از متقاضیان پناهندگی همجنسگرای ایرانی مواجه بوده ام. در قوانین و سنت های اسلامی حتی بر زبان آوردن همجنسگرایی منع می شود و اگر هم اسم ببرند به آنها می گویند "همجنس باز" که در خود جز الفاظ تحقیرآمیز میباشند.

احمدی نژاد در اجلاس سازمان ملل در نیویورک نیز همین را گفت. بنابراین کسانی که به عنوان فرد همجنسگرا یا به عبارت دیگری دگرباشان تقاضای پناهندگی می کنند باید در نظر داشته باشند که در گفتگو با وکلا و کارمندان ادارات امور پناهندگی، با استدلال و با نمودهای روشن در مورد گذشته خود و تبعیضاتی که علیه آنها وجود داشته صحبت کنند.

قدرت و پیروزی ما در گرو اتحاد ماست



فاضل نادری

حزب نژادپرست "یونان طلوع طلائی" خواهان اعدام پناهندگان خلاف کار میباشد

میروند را در اختیار آنها قرار بدهد تا آنها این مدارس را از وجود این میکربها پاکسازی کنند. در یکی از شبها فاشیستهای حزب یونان سحر طلائی، بقصد انهدام یکی از مناطق مسکونی و پرجمعیت خارجیان باین محل ریختند. مغازه ها و مراکز خرید را ویران و غارت کردند.

روز بعد گوینده رادیو دلیل این کار را انتقام گرفتن بخاطر یک قتل اعلام کرد که خارجیان مرتکب شده بودند. گوینده رادیو اضافه کرد که این کار اعتراض آشکار یونانی ها است که خارجیان محل کسب و کار و محل سکونت آنها را اشغال کرده اند. وی اضافه میکند که بهم ریختن و ویران کردن یک منطقه در مقابل خسارات عمیقتری که خارجیان بر یونانیان اصیل تحمیل کرده، فقط بمثابة یک چسب زخم بر جراحات عمیق و دردناک یونانیان شریف که اصالتشان جریحه دار شده است، محسوب میشود.

بسیاری از رسانه ها بدینگونه وقیحانه و بیشرمانه جوسازی کرده و تخم کینه و نفرت خارجی ستیزی را در جامعه پخش میکنند، بدون اینکه مانعی در مقابل آنها وجود داشته باشد.

رفتار خشن، بیرحمانه و غیرانسانی، از طرف سرمایه داران و بعضی از مغازه داران یونانی مورد تأیید و تشویق قرار می گیرد.

آنها فریاد میکشند که این خارجیها باعث رکود کسب و کار ما شده اند. بسیاری از زنان پناهنده و مهاجر بکارهای خانه داری درخانه های یونانیان، و یا با حقوق نازل درباغها و مراکز کشت و باغداری مشغول کار میباشند. بیشتر آنها بطور دائمی مورد اذیت و آزار قرار می گیرند و هیچگونه امنیت جانی ندارند.

پلیس خشن و سرکوبگر یونان با بیرحمانه ترین شیوه های ارباب، ضرب و شتم و بدرفتاری آشکار، بعنوان همکار و کار بدست فاشیستها میگوید ما مأموریت داریم که جامعه را از وجود غیر یونانیها، جارو کنیم تا یونان را به یونانیون اصیل بازگردانیم. یونان باید از وجود حشرات زیانکار، موزی و مخل آسایش رفت و روبرو شود. نمایندگان مجلس حزب "یونان طلوع طلائی" ازوزیر امور داخلی کشور خواسته اند، اسامی فرزندان خارجی تبار که بمدارس دولتی یونانیها

روزها آثار خون های ریخته شده این قربانیان را بوضوح میتوان درخیابانها و پیاده روها مشاهده کرد. مضروبین و مقتولین آنها پناهجویانی هستند که از گوشه و کنار مختلف جهان بدلائل مختلف که برهمگان روشن است فرار کرده و بقصد پیدا کردن جا و مکان امنی در یک گوشه دنیا، بطور موقت و ناگزیر دریونان گیر کرده اند تا در صورت امکان خودشان را درجائی اسکان بدهند. برای رسیدن به یونان، این مکان نا امن و ایستگاه موقت، پناهجویان هزینه های سرسام آوری پرداخت کرده اند. بسیاری از پناهجویان زن و نوجوانان در این مراکز مورد خشونت و تجاوزهای جنسی قرار گرفته اند.

ایادی شرور این حزب ضد مردمی، همچون جانپان حرفه ای و تبهکارتعلیم یافته، به مغازه ها و دستفروشیهای خارجیها که عمدتاً بعد از شقه شقه شدن یوگوسلاوی سابق و از کشورهای بالکان به یونان آمده و با دشواریهای مشقت باری در صدد تأمین معاش هستند را مورد اذیت و آزار قرار داده، مغازه ها و دکه های آنها را غارت میکنند. این

میخواهد هرچی بیشتر مفلوج و مسموم ترکند. این حزب نازیستی با همکاری پلیس، بمثابة یک گروه حرفه ای و کارکشته، تحت عنوان با "مأموریت جاروب" پاکسازی یونان از وجود مهاجرین و پناهجویان را در برنامه کار خود قرار داده اند.

این حزب فاشیستی به مردم یونان قول میدهد که یونان نامدار عهد عتیق را احیاء خواهد کرد. پر واضح است که یونان ترسیمی آنها، فقط درافسانه ها پیدا میشود نه در دنیای واقعی و یونان مقروض و مفلوک فعلی. دریونان یک نفر از چهار نفر بیکار است. فقر و امکانات حد اقل معیشتی، برای خانواده های بچه دار نزدیک به ۲۴ درصد افزایش یافته است. ۵۰ درصد جوانان آماده کار، بیکار هستند. دوفنر از هر ۱۰ دانش آموز دوره ابتدائی، مدرسه و تحصیل را ترك میکنند.

ایادی و عوامل این حزب بیگانه ستیز، شبها به محل زندگی این انسانهای بی پناه و بیدفاع هجوم آورده، با لوله و نبشی های آهنی و سایر آلات قتاله هر کسی را گیر بیاورند بقصد کشت، مورد ضرب و شتم قرار میدهند. صبح اکثر

اعدام در سال ۱۹۹۳ بطور رسمی دریونان ملغی گردید. ولی حزب تازه بدوران رسیده ذکر شده، پیشنهاد میکند که اعدام رسمی و دولتی باید مجدداً بکار گرفته شود.

این حزب پناهندگان متخلف را "خارجیان قاتل" خطاب میکند که مملکت آنها را به جنگل مبدل کرده اند. آنها همچنان پیشنهاد میکنند که پلیس یونان را باید بسلاح سنگین مسلح کرد تا بتوانند با گروههای تبهکار بمقابله بپردازند. ۱۸ نفر از اعضای ۳۰۰ نفره پارلمان یونان را این حزب نژاد پرست اشغال کرده است.

حزب کوچک و غیر قابل اهمیتی که تاکنون در دخمه ها و بیغوله های گمنام میلولید، در انتخابات ماه ژوئن سال ۲۰۱۲ توانست ۷ درصد آرای انتخابات را نصیب خود کند. اکنون این حزب از کردورهای پارلمان تا مناطق مسکونی توده های فقیر و محروم، قدر قدرتی میکند و جامعه یونان آغشته به بحران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را

به فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی پیوندید

گزارشی از کنگره جهانی علیه اعدام در مادرید

بسیار جالب بود صدها نفر در حالیکه دستکشهایی قرمز در دست داشتند که روی آن نوشته شده بود نه به اعدام و در جلوی صف يك طناب دار توسط تعدادی حمل میشد و در مقابل آن شعار نه به اعدام و ممنوعیت اعدام داده میشد، مسیری را طی کردیم که مورد توجه زیادی قرار گرفت.

کنگره جهانی علیه اعدام يك امکان و فرصت مهم است که میتوان برای ممنوعیت اعدام در همه جا از آن بهره جست، جهت گیریها و تاثیرات این کنگره موضوعی است که باید به آن پرداخت. من سعی خواهم کرد در نوشته های دیگری به مضمون این کنفرانس و نقاط ضعف و قوت آن بپردازم.

در ساندمید، در میزگرد مربوط به ایران که چهار سخنران داشت؛ در بخش پرسش و پاسخ؛ من در مورد این نامه ها و اینکه زندانیان و محکومین به اعدام خواهان اعتراض بین المللی به اعدامها



اتتلاف کشورهای عرب زبان علیه اعدام تشکیل دادند که مهم بود. روز آخر کنفرانس ضمن اینکه در يك جلسه عمومی تعدادی از نمایندگان دولتها، نماینده اتحادیه اروپا و ناوی پیلای مسئول حقوق بشر سازمان ملل و تعداد دیگری سخنرانی کردند؛ ما همه به يك راهپیمایی در مرکز شهر مادرید دست زدیم که

در ایران هستند حرف زدم و با عطف توجه به کمپین جهانی دفاع از سکینه محمدی آشتیانی در پیش گرفتن این الگو را برای مقابله با اعدام مورد تاکید قرار دادم. ما در این کنگره از تعدادی از دوستان خواستیم به زبان خودشان پیام همبستگی به زندانیان سیاسی و محکومین به اعدام بدهند که لینک برخی



مینا احدی

مثبت این کنفرانس بود. در طول دو روز از جمله میزگردهای مربوط به ایران، شامل يك میزگرد در روز اول با حضور احمد شهید و همچنین میزگردی در مورد اعدام کودکان با حضور يك وکیل زن ایرانی و میزگرد در مورد مواد مخدر و معضل اعدام با حضور يك فعال سیاسی از ایران بود. البته همه مباحثات مربوط به جنبه های مختلف معضل اعدام به ایران هم مربوط میشد و ما تا جایی که امکانش بود در این مباحثات شرکت و دخالت میکردیم. کمیته بین المللی علیه اعدام دو هفته به برگزاری کنگره مانده بود که تصمیم گرفت علیرغم نداشتن سخنران در این پانلها در کنگره شرکت کند و اینرا علنی اعلام کرد.

به محض پخش خبر حضور يك هیأت از طرف کمیته علیه اعدام از چهار زندان ایران با ما تماس گرفتند و نامه و خواستهایی را مطرح کرد که در آنجا به گوش همگان برسانیم. نامه از رجایی شهر، زندان تبریز، قزل حصار و زندان اهواز که از طرف جمع زیادی از زندانیان و محکومین به اعدام به دست ما رسیده بود و ما این نامه ها را در بین صدها نفر حاضرین در کنفرانس پخش کردیم و همچنین به دست احمد شهید

از ۱۲ تا ۱۵ ژوئن در مادرید کنگره جهانی علیه اعدام برگزار شد. ۱۵۰۰ نفر از ۹۰ کشور جهان در آن حضور داشتند. دو روز جلسات فشرده و در نهایت روز شنبه با يك راهپیمایی بزرگ در مرکز شهر مادرید کنگره به پایان رسید. این کنگره از سوی ائتلاف جهانی علیه اعدام سازمان یافته بود و دولتهای اسپانیا، فرانسه، نروژ و سوئیس آنرا حمایت کرده بودند. اکنون در ۹۷ کشور جهان اعدام وجود ندارد در ۵۸ کشور جهان اعدام میکنند و در ۳۵ کشور برای ده سال اعدام را متوقف کرده اند.

طبق آمار این کنگره در سال ۲۰۱۳ در ۲۱ کشور جهان ۶۸۲ نفر اعدام شده اند که تازه گفته اند بدلیل ناروشن بودن اعدام ها در برخی کشورها و از جمله چین و ایران آمار تکمیل نیست. پس ما رفته ایم در مورد يك معضل و يك زخم و يك لکه ننگ بر دامن بشریت حرف بزنیم و راه حل پیدا کنیم. برای من این کنگره بسیار مهم بود.

در طول دو روز در این کنگره میزگردها و جلسات متعددی برگزار شد، میزهای اطلاعاتی در قسمتی از برنامه این کنفرانس بود و تبادل نظر و ارتباط گرفتن فعالین با همدیگر جمله نکات



از سایت کمیته
مبارزه برای
آزادی زندانیان
سیاسی دیدن
کنید

<http://cfppi.blogspot.com/>



غزل میرزابای لنگرودی

اقتصاد ایران هر روز با مشکلات تازه ای روبرو می شود. این اقتصاد شکننده در سایه ندانم کاری های مسئولان اجرایی کشور و تحریم های اقتصادی که هدیه رژیم اسلامی است هر روز ضعیف تر می شود. در این میان زنان، در سایه تبعیض و خشونت جاری در جامعه، گرفتار و خسته، کور سوی امیدی به آینده دارند. آینده ای که در آن،

فرزندان ایران زمین در مقابل ظلم برخیزند. این خیزش مسلما بایستی در جنبه های مختلف صورت پذیرد. خیزش اجتماعی پیش نیازهایی دارد که در صورت برآورده شدن این پیش نیازها، تغییر در جامعه به سمت سوسیالیسم، با روشی معقول صورت می پذیرد. دانش و فهم اجتماعی، به عقیده نگارنده، مهم ترین پیش نیاز وقوع حرکتی اجتماعی با هدفی مشخص است. فقر فقط فقر مالی نیست، فقر فرهنگی و سیاسی، باعث فقر در همه زمینه ها می شود. زنان در این میان نقش ویژه ای را ایفا می کنند، زنانی که نابرابری های اجتماعی را با

گزارش فقر!

گوشت و استخوان خود احساس می کنند. اما زنان چگونه می توانند در تعالی دانش و شناخت اجتماعی

اما آنچه من اکنون به آن می اندیشم این است که زنان باید درد های اجتماع را با صدای بلند فریاد بزنند. زنان باید با نوشته هایشان در قالب مقالات و یادداشت هایی که در جراید چاپ می



نقش کلیدی را ایفا کنند؟ در پاسخ باید تاکید کنم که تعالی اجتماعی از طرق مختلفی امکان پذیر است

که صدها ساعت برنامه تلویزیونی و رادیویی به اندازه صحنه به خون غلتیدن ندا آقا سلطان، در زمینه انتقال روشن ظلمی که در جامعه امروز ایران جاری است، موثر نبوده باشد. باید دست هامان را به هم دهیم و با هم و هماهنگ درد هایمان را فریاد کنیم تا ظالمان رو سیاه شوند. در نوشته های فعالان سیاسی مرتباً صحبت از زوال جمهوری اسلامی می شود. زوالی که عیان است اما آنچه برای من اهمیت دارد این است که بدانم بعد از این زوال و برقراری نظامی جایگزین، وضعیت زنان در جامعه چه می شود!

شود یا با نوشتن کتابهایی شعر و داستان به هدف تنویر افکار عمومی کمک کنند. شاید با من هم نظر باشید

۱۳۲ میلیون کودک در جهان از تحصیل محروم اند

رادیو آلمان

کودکان در کشورهای فقیر جهان از پیشرفت محروم هستند. این امر به ویژه شامل مناطق روستایی در این کشورها می شود. به گزارش یونیسف آلمان، ۱۳۲ میلیون کودک در کشورهای در حال رشد به مدرسه نمی روند. حق تحصیل برای کودکان در بسیاری از کشورهای جهان فقط بر روی کاغذ قرار دارد. "یونیسف" (صندوق کودکان سازمان ملل) شعبه آلمان به مناسبت شصتمین سال تاسیس خود گزارش تازه ای در این زمینه منتشر کرده است. در این گزارش آمده است که در کشورهای رشدیابنده و در حال گذار، بیش از ۱۳۲ میلیون کودک اصلاً به مدرسه نمی روند. افزون بر آن تقریباً ۴۰ درصد از ۲۰۰ میلیون

بیکار در سراسر جهان افراد جوان زیر ۲۵ سال هستند.

مشکل نابرابری

یورگن هرنوس، رئیس یونیسف آلمان می گوید: «۷۵ درصد کودکان و نوجوانان فقیر در کشورهایی زندگی می کنند که در رده متوسط درآمد سرانه قرار دارند». به گفته وی در این کشورها شکاف میان فقر و ثروت همچنان عمیق تر می شود. کودکان در کشورهای فقیر از سوء تغذیه رنج می برند. دان تول، رئیس بخش آسیای یونیسف، نیز خاطر نشان می سازد که

"بزرگترین مشکل، نابرابری است". به گفته وی، در این کشورها پول و منابع طبیعی به اندازه کافی وجود دارد، ولی باید اطمینان حاصل کرد که کودکان نیز از این ثروت ها بهره مند می شوند.

در گزارش یاد شده همچنین آمده است که اگر چه در حال حاضر بیش از هر زمان کودکان به مدارس ابتدایی می روند، ولی کیفیت آموزش غالباً بد است. دختران و کودکان در مناطق روستایی کشورهای یاد شده بیش از همه از این وضعیت متضرر رشد و اعتلای اقتصادی در

کشورهای رشدیابنده و نیز در حال گذار، کماکان فقر بزرگترین تهدید برای کودکان است. سوء تغذیه در نخستین سال های زندگی کودکان باعث می شود که امکانات فراگیری آنان بطور چشمگیری کاهش یابد. شرایط زندگی کودکان به ویژه در کشورهایمانند افغانستان، سومالی و سودان جنوبی که از ثبات سیاسی برخوردار نیستند وخیم است. به این مسئله باید فاجعه های طبیعی ناشی از تغییرات اقلیمی را نیز افزود. کارشناسان یونیسف معتقدند که اگر در دهه ۱۹۹۰ میلادی سالانه ۶۶/۵ میلیون کودک در معرض فاجعه های طبیعی بودند، این رقم در دهه کنونی تا ۱۷۵ میلیون کودک افزایش خواهد یافت.

می شوند. در این کشورها شمار کودکان خانواده های فقیر که به مدرسه نمی روند، چهار بار بیشتر از کودکان خانواده های ثروتمند است.

فقر و سوء تغذیه

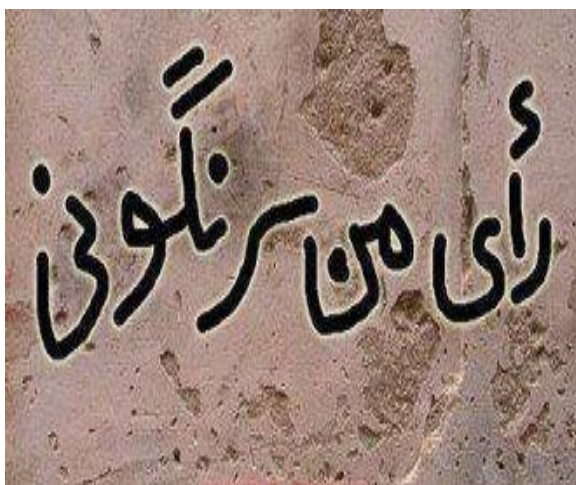
سازمان یونیسف در گزارش هشدار دهنده ای نسبت به شرایط اسفناک کودکان معلول در کشورهای در حال توسعه و در آستانه صنعتی شدن هشدار داده است. در این گزارش از جمله به موارد خشونت نسبت به کودکان معلول اشاره شده است. به رغم رشد و اعتلای اقتصادی در

نیز بود که باز مردم تصمیم گرفتند بین بد و بدتر، بد را انتخاب کنند. و اکنون همه منتظرند تا دریچه ای به روی دموکراسی و آزادی در این باز گردد اما مسئله اینجاست که تغییری در سیستم نظام بوجود نیامده تا تغییری ایجاد شود. تا زمانیکه حکومتی بر پایه دین اسلام و شریعت و قواعد هزار ساله پوسیده بر مسند قدرت است و آخوندی با عنوان ولایت فقیه با قدرتی بیش از قدرت مستبدترین شاهان برکار است هر کدام از این مهره ها برنده میشدند راهی به جز اطاعت بی چون و چرا از ولایت فقیه نداشتند و ندارند. بنابراین اولین قدم برای رسیدن به دموکراسی و آزادی و زندگی بهتر و... پایان دادن به این رژیم اسلامیست.

نابود باد جمهوری اسلامی

حکومت متقلب، انتخابات تقلبی

آخوندها تشکیل می دهند رفسنجانی ریس مجمع تشخیص مصلحت نظام و کاندید اصلاح طلبان و مشایخی کاندیدای احمدی



نژاد را رد صلاحیت کردند که اینها نشانه شکاف عمیق بین جناحهای مختلف رژیم است که همه ماهیتی ارتجاعی دارند. شورای نگهبان از میان ۶۰۰ کاندیدها، تنها ۸ نفر از افراد مورد نظر خامنه ای را تایید صلاحیت کرده است. با توجه به این شرایط و وضع حاکم رای دادن به معنی رای به بقای عمر رژیم جنایتکار و فاشیست اسلامی بود و بدیهی است هرچه عمر این رژیم طولانی تر شود میزان قتل و اعدام وزندان و... بیشتر میشود و کشور از هر لحاظ اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و... رو به زوال میرود. و بالاخره روحانی از صندوق رای بیرون آمد و البته این نتیجه این

را از سر گرفتند. تلویزیون و رادیو و... سعی در ترغیب و فریب مردم برای شرکت در انتخابات تقلبی را کردند. و نیروهای سازشکار با پررویی باز کار خود را برای کشاندن مردم پای صندوق های رای آغاز کردند. واقعیت این است که تا زمانیکه حکومت فاشیستی جمهوری اسلامی قدرت را در دست دارد با کشتار و اعدام و شکنجه به کوچکترین فریادهای مردم پاسخ میدهد. و هر ۴ سال یکبار انتخابات فرمایشی برگزار میکند تا خود را به مثابه حکومتی که به اصول و مبادی دموکراتیک پایبند است و به رعایت حقوق بشر اعتقاد دارد نشان بدهد. شورای نگهبان که اعضای آنرا

خسونت و بی بندوباری و بی حقوقی به ستوه آمده بودند به این امید که اگر موسوی یا کروبی به جای کاندیدای دلخواه خامنه ای انتخاب گردند اندکی بهبودی بوجود خواهد آمد و شاید هم دریچه ای به سوی آزادیهای دموکراتیک در کشور دیکتاتوری گشوده خواهد شد در انتخابات قلابی شرکت کردند. نهایتاً هم نتیجه انتخابات را دیدیم و بر ما ثابت شد که انتخابات يك معرکه خودنمایی رژیم بیش نیست و کاندیدایی بدون نظر و صلاحیت خامنه ای، هرگز از صندوق رای بیرون نخواهد آمد.

نتایج انتخابات قبلای همچنان به روشنترین وجهی فریبکاریهای نیروهای سیاسی سازشکار را اثبات کرد. تقلب در انتخابات ۸۸ از تمام انتخابات فرمایشی رژیم در طول ۳۴ سال، بیشتر واضح بود. یادمان نرفته که فدای آرزو مردم ستمدیده و زحمتکش ایران به بهانه "رای من کجاست" همچون موج خروشانیه به خیابانها آمدند. خیرش خودجوش ده ها هزار انسان ستمدیده که فریاد خشم خود را در خیابانهای تهران و شهرستانها طنین انداز ساخته بودند لرزه بر اندام خامنه ای و سردمداران انداخت. رژیم بلافاصله دست به کشتار و جنایت و قتل و تجاوز و.. زد. کهریزک، اوین و.. یادمان نرفته. و بار دیگر مضحکه انتخابات شروع شد. رسانه های دولتی و وظیفه ای که بهشان دیکته شده



احسان مغفوری

بی شک جمهوری اسلامی یکی از متقلب ترین حکومت ها در رابطه با انتخابات ریاست جمهوریست. جمهوری اسلامی طی ۳۴ سال حکومت ننگین خود همواره کوشیده است جنایات و کشتارها و اعدامها و به طور کلی عدم مشروعیت خود را با ترفندهای گوناگونی سرپوش بگذارد و برای خود در افکار عمومی کسب آبرو کند. یکی از این ترفندها، پرشور نشان دادن انتخابات ریاست جمهوریست. حکومت تلاش می کند به هر شیوه (دروغ، کذب، وعده و اجبار و...) مردم را پای صندوقهای رای بیاورد.

بعضی از نیروهای سیاسی سازشکار نیز بنا به دلایلی واهی و پوچی همچون "استفاده از ظرفیت حداقلی قانون اساسی" برای رسیدن به فضایی به نسبت آزادتر تشویق به شرکت در انتخابات می کنند. و چنین کردند ولی باز طبق آمار رژیم بیش از ۱۵ میلیون انتخاباتی را تحریم کرده و به پای صندوقهای رای نرفتند. به خوبی یادمان هست که ۴ سال پیش هم همین نیروها با هزار ترفند، مردم را به شرکت در انتخابات ریاست جمهوری و رای دادن به بخشی از همین رژیم جنایتکار ترغیب کردن دو متاسفانه تلاشهای آنها کم و بیش هم بی نتیجه نماند و بخشی از مردم که از وضع اقتصادی و

تماس با فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

دبیر فدراسیون: عبدالله اسدی
تلفن: ۰۰۶۷۳۷۱۷۸۸۱۹

asadiabe@gmail.com
abe.asadi@glocalnet.net

به فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی کمک مالی کنید

Plusgiro
200974-4

سوءاستفاده از زنان؛ مشکلی فراگیر در جهان

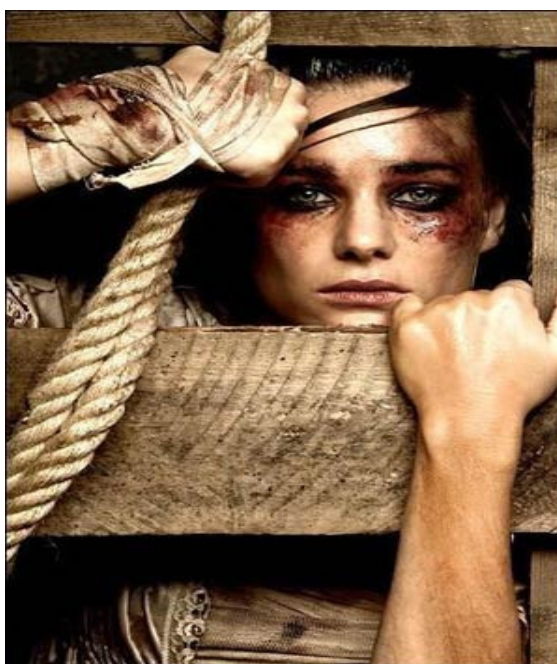
دوچپه وله:



پیامدهای جسمی و روانی خشونت خانگی

خشونت خانگی برای زنان پیامدهای سنگینی دارد. از آن جمله می‌توان به افسردگی‌های شدید، گرایش به نوشیدنی‌های الکلی، بیماری‌های جنسی، بارداری ناخواسته و حتی مرگ اشاره کرد. البته این خشونت بر دیگر اعضای خانواده نیز تأثیر می‌گذارد. کودکانی که مادرانشان مورد خشونت قرار گرفته‌اند با چالش‌های بزرگی روبرو هستند. از طرفی ممکن است که آنها نیز مورد سوءاستفاده قرار گیرند و یا اینکه خود در سنین بزرگسالی افراد دیگر را مورد خشونت قرار دهند.

کارشناسان برای کاهش این خطرات راهکارهایی پیشنهاد می‌کنند تا از والدین تحت فشار حمایت شود. این امر می‌تواند از روبرو شدن کودکان از سنین کم با پدیده خشونت جلوگیری کند. خانواده‌های مردسالار به برنامه‌های ویژه‌ای نیاز دارند. مردان و پسران در چنین خانواده‌هایی باید بیاموزند که با زنان رفتاری متعادل داشته باشند



خشونت در جامعه

خانه همسر، خود را از خشونت برهانند. از نظر خانم نردمایر رئیس کمیته ملی حمایت از زنان آلمان، مشکل خشونت خانگی واقعی‌تری در آلمان است، چرا که این خشونت‌ها در بطن جامعه اتفاق می‌افتد و فقط محدود به قشرهای کم درآمد نیست. مشکل اساسی اینجاست که بسیاری از مردان به این امر معتقدند که: «کسی که با من زیر یک سقف زندگی می‌کند، مجبور است خود را با من وقف دهد و از من پیروی کند».

ارقام و آمار این سازمان نشان می‌دهد که در خانواده‌های مرفه خشونت کمتر است. از این رو کارشناسان برای بهبود وضعیت زنان پیشنهاد می‌کنند: زنان اگر تحصیلات بهتری داشته و شاغل باشند، کمتر مورد سوءاستفاده و بدرفتاری قرار می‌گیرند. تحصیلات و اشتغال اعتماد به نفس زنان را بالا می‌برد و به آنها امکان می‌دهد که با ترک

بسیاری از زنان از سوی همسران خود در معرض خشونت‌های خانگی هستند. این خشونت‌ها بسیار بیش از برآوردهای موجود، متداول است. در این باره "سازمان بهداشت جهانی" آماری منتشر کرده که نتایج آن قابل‌تأمل است.

در سراسر جهان زنان مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند و به آنها تجاوز می‌شود. خشونت نسبت به زنان مشکلی جهانی و فراگیرتر از آن است که تا کنون تصور می‌شد. نتایج تحقیقات جدید "سازمان بهداشت جهانی" از ابعاد پیچیده این معضل بزرگ پرده برداشته است. از هر سه زن یک نفر توسط همسرش مورد سوءاستفاده قرار گرفته است. این سازمان بین‌المللی از این مسئله به عنوان یک مشکل فراگیر یاد می‌کند.

این بدان معناست که خشونت علیه زنان در سراسر جهان وجود دارد و میان مناطق گوناگون، تفاوت زیادی وجود ندارد. بنا به این تحقیقات یک چهارم زنان در کشورهایی که درآمد سرانه بالایی دارند، از جانب همسران خود مورد خشونت جسمی و جنسی قرار می‌گیرند. شمال آمریکا، اروپا، استرالیا و ژاپن جزء این مناطق هستند. این آمار در جنوب شرقی آسیا و آفریقا یک به سه می‌باشد.

این رقم اما چندان قابل استناد نیست چرا که در این مناطق بسیاری از زنان جراحات ناشی از خشونت خانگی را مخفی نگه می‌دارند. از این رو بسیاری از کارشناسان بر این امر پافشاری می‌کنند که "سازمان بهداشت جهانی" باید با نگاه ژرف‌تری به این مشکل بنگرد.

و خود را برتر و بالاتر از آنها نپندارند.

مقابله با خشونت خانگی

سازمان ملل متحد در کمپینی به عنوان "بیابید به خشونت علیه زنان پایان دهیم" سعی در کاهش این خشونت‌ها دارد. این برنامه شهروندان و دولت‌ها را مخاطب قرار می‌دهد. ۵۸ کشور با امضای بیانیه‌ای با این کمپین همراهی کرده‌اند. آنها مایلند در برنامه‌های حمایتی از زنان شرکت فعال داشته باشند. اتحادیه اروپا در یکی از کمیسیون‌های با پیشنهاد یک لایحه قانونی، به تعریف خشونت و راه‌های مقابله با آن اقدام کرده است.

هم اکنون این قانون در حال تصویب در کشورهای عضو است. کارشناسان با امیدواری بسیار از بهبود شرایط صحبت می‌کنند. البته آنها تصویب این قانون را تنها دلیل بهبود وضعیت نمی‌دانند، چرا که نسل جوان امروزی دیگر کمتر به این فرهنگ قدیمی باور دارد که زور و مقام مردان از زنان بیشتر است.

همبستگی از آن دسته از دوستانی که مطالبشان در این شماره به چاپ نرسید پوزش می‌خواهد. در شماره بعد مطالب ار سالی شما عزیزان منتشر خواهد شد.

تماس با

نازنین صدیقی

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۹۱۴۰۷۲

nazmoa@msn.com

Facebook: NazaninSeddigh

۷۰ پناهجو در شهر مونیخ دست به اعتصاب غذای خشک زده‌اند



۷۰ پناهجو از روز شنبه اول تیر، برابر ۲۲ ژوئن، در میدان "ریندرمارکت" در مرکز شهر مونیخ به منظور اعتراض به وضعیت زندگی شان دست به اعتصاب غذا زده‌اند. این پناهجویان از کشورهای مختلفی مثل ایران، افغانستان و کشورهای آفریقایی هستند. به گزارش خبرگزاری آلمان در کنفرانس خبری که روز سه‌شنبه چهارم تیر، ۲۵ ژوئن، در این باره تشکیل شد، افراد این گروه اعلام کردند که دست به اعتصاب خشک زده‌اند. اعتصاب‌کنندگان گفته‌اند که اقدام آنها یک پیام مشخص دارد: «ما شهروند نیستیم، هیچ حقی نداریم، ما خواهان تغییر شرایطمان هستیم». یک زن باردار آفریقایی و زنی ایرانی - افغان همراه با دو کودک هشت و نه ساله در میان اعتصاب‌کنندگان هستند.

این پناهجویان نامه سرگشاده‌ای نیز به آنگلا مرکل، صدر اعظم آلمان، و آندریاس فوس کوله رئیس دادگاه حمایت از قانون اساسی آلمان نوشته و در آن از شرایط پناهجویان در آلمان انتقاد کرده‌اند. در این نامه توضیح داده شده که پناهجویان در کمپ‌های پناهندگی به انزوا می‌افتند، آزادی رفت و آمد ندارند و مدام در خطر اخراج قرار دارند. تا کنون ایالت بایرن که توسط دو حزب سوسیال مسیحی و لیبرال‌ها اداره می‌شود، به این نامه و نیز اعتراضات پناهجویان پاسخی نداده اما حزب سوسیال دموکرات مونیخ با اعتصاب‌کنندگان اعلام

اعتصاب‌کنندگان هستند که ۱۰ سال است تقاضای پناهدگی داده و همچنان بلا تکلیف هستند. امید به دوپچه‌ولنه می‌گوید: «تقاضاهای ما برای بهبود وضعیت کمپ‌های پناهدگی از ۱۵ ماه پیش در مارس ۲۰۱۲ آغاز شد و با راهپیمایی پناهجویان در سرتاسر آلمان علنی شد و ما با نمایندگان مجلس هم درباره مشکلاتمان صحبت کردیم اما متأسفانه تا کنون هیچ نتیجه‌ای نداشته است».

"مرگ تدریجی"

سایت تلویزیون دولتی بایرن با یکی دیگر از این پناهجویان به نام "روبرت سکو" گفت‌وگو کرده. او اعتصاب غذا را فریاد یاری دانسته و گفته: «ما انسانیم و باید با ما مثل یک انسان رفتار شود. ما هیچ حقوقی نداریم و می‌خواهیم این شرایط تغییر کند».

"وادو واتول" پناهجوی دیگری است که به تلویزیون مونیخ گفته که احساس می‌کند او را تنها گذاشته‌اند. این جوان اهل اتیوپی در حالی که گریه می‌کرد گفته است: «ما خانواده و کشورمان را ترک کردیم و حالا داریم در یک زندان مشابه آنچه قبلاً گرفتار آن بودیم زندگی می‌کنیم». "لوکاس یوهانس" پناهجوی دیگر اتیوپیایی گفته: «ما در سرزمینمان با گلوله کشته می‌شویم و اینجا به تدریج می‌میریم».

است. همسر حنیفه به محض ورود به خاک آلمان به زندان مخصوص کسانی که حکم "اخراج" گرفته‌اند و باید خاک آلمان را ترک کنند فرستاده می‌شود و خود او نیز باید تا دو روز دیگر خاک آلمان را ترک کند. او هم اکنون به همراه دو فرزند ۸ و ۹ ساله در چادر محل تحصن پناهجویان در میدان ریندرمارکت مونیخ در اعتصاب غذا به سر می‌برد. او به دوپچه‌ولنه می‌گوید خواهش این است که دولت آلمان او و خانواده‌اش را به عنوان پناهنده بپذیرد و هرچه سریعتر پسر ۱۲ ساله‌اش هم به آنها ملحق شود.

پناهجوی دیگری به نام امید ۲۹ ساله که چهار سال است تقاضای پناهدگی داده به دوپچه‌ولنه می‌گوید که خواست اصلی او قبول درخواست پناهدگی او و پایان گرفتن این بلا تکلیفی است. به گفته امید کسانی در میان

زنی حامله، مادری به همراه دو کودک ۸ و ۹ ساله و جوانی که معتقد است در آفریقا با گلوله کشته می‌شد اما اکنون در اینجا به تدریج می‌میرد، جزو پناهجویانی هستند که در اعتراض به وضعیت ناگوار خود به اعتصاب غذای خشک دست زده‌اند.

و از ایران به همراه سه فرزند و همسرش از مرز زمینی به ترکیه و یونان و سپس به مجارستان رفته است. این خانم در مجارستان با یک تاکسی که تنها چهار نفر جای خالی داشته به اتفاق همسر و دو فرزند ۸ و ۹ ساله‌اش به آلمان می‌آیند اما پسر ۱۲ ساله آنها می‌ماند تا با تاکسی بعدی فرستاده شود. این نوجوان ۱۲ ساله در اتریش توسط پلیس دستگیر می‌شود و هم‌اکنون در پاسگاه مرزی پلیس اتریش زندانی

همبستگی کرده است. رئیس شعبه حزب یادشده در مونیخ و همچنین همکار او در پارلمان بایرن از دولت آلمان خواسته‌اند که قانون اقامت اجباری در محل کمپ، ممنوعیت کار در سال اول پناهجویی و دادن بسته‌های غذایی به پناهجویان را لغو کنند. اینها خواهشهایی بودند که ۳۵۰ تظاهرکننده نیز در روز شنبه در مونیخ بر روی پلاکاردهای خود نوشته بودند. این تظاهرکنندگان همچنین خواهان این بودند که کودکان پناهجو از پدر و مادرانشان جدا نشوند.

خواست‌های اعتصاب‌کنندگان

پناهجویان از روز شنبه زیر این چادرها دست به تحصن و اعتصاب غذا زده‌اند پناهجویان از روز شنبه زیر این چادرها دست به تحصن و اعتصاب غذا زده‌اند. "حنیفه وفایی" ۲۸ ساله از پدر و مادری افغان در ایران به دنیا آمده

پناهدگی حق همه فراریان از جهنم جمهوری اسلامی است